

یمن با «محاصره در برابر محاصره» آمد

در پی حملات ارتش سعودی به زیرساخت‌های یمن، معادله رویارویی میان دو طرف وارد مرحله‌ای تازه شده است و آن گونه که یحیی سریع دیروز اعلام کرد، عملیات محاصره در یایی عربستان در دریای سرخ و باب‌المندب آغاز شده است؛ اقدامی که انصارالله آن را در چارچوب راهبرد «محاصره در برابر محاصره» و با هدف بازپس‌گیری حقوق از دست‌رفته ملت یمن از ریاض توصیف کرده است

بازآرایی رهبری حماس پس از جنگ با انتخاب خلیل الحیه

فرماندهی کل سپاه در لیبیک به پیام فرمانده معظم کل قوا:

درس فراموش‌نشدنی به متجاوزان خواهیم آموخت



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۵ - ۶ صفر ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۶۵۱ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سر مقاله

از قطعنامه تا تفاهم‌نامه

توانمندی‌های دفاعی کشور اگرچه در زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل - که در چنین روزهایی در سال ۱۳۶۷ انجام شد - مانند امروز نبود، سیره امام و رهبر معظم انقلاب اسلامی در مواجهه با دو پدیده قطعنامه و توافقنامه بسیار شبیه به همدیگر است. گویی فقط تاریخ تکرار شده

است و سیره مواجهه با دو پدیده یکی است. خصوصاً توجه هر دو رهبر به نظرات جمعی مسئولان و عدول از نظرات خود در هر دو پدیده کاملاً روشن است. سفارش به حفظ حرمت مسئولان بسیار شبیه به همدیگر است. هر دو بر یکد دشمنان بعد از پذیرش و هوشیاری تأکید می‌کنند، هر دو بر لزوم آمادگی‌های دفاعی در هر دو پدیده تأکید می‌کنند و اگرچه رهبر معظم انقلاب درباره «علی‌الاصول» (یعنی به صورت مبنایی نظر دیگری داشتم) مطلبی نگفتند، امام قبلاً و در طول جنگ نظر‌اتش را گفته بود: «جنگ، جنگ تا رفع فتنه»، «جنگ، جنگ تا پیروزی» و «اگر این جنگ ۲۰ سال طول بکشد ما ایستاده‌ایم». بنابراین اینجاست که امام تفاوت نظر خود را به جای‌علی‌الاصول این‌گونه می‌گوید «من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین نفس بجنگم»، یعنی من به دنبال پذیرش قطعنامه نبودم اما به نظر مسئولان کشور احترام گذاشتم و این تصمیم را گرفتم و مسئولیت آن را می‌پذیرم. بنابراین امام می‌فرماید: «با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنها اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم.»

حالا رهبر معظم انقلاب چندی پیش مشابه امام می‌فرمایند: «تفاهم‌نامه‌ای بیسن رئیس‌جمهوران ایران و امریکا امضا شد در مسیر رسیدن به این مرحله مسئولان امر از سر دلسوزی و حسن‌نظر تلاش‌های زیادی را به عمل آورده‌اند.»

یا مجدداً تأکید می‌کنند که: «هلت عزیز ایران با تداوم اعتماد مسئولان دلسوز در هر سه‌قوه که تلاش ایشان برای رفاه و سعادت ملت مشهود است، همچنان بر تضمین صیانت از منافع ملی ایران اسلامی هوشیار و فعال در میدان خواهند بود.»

بنابراین نسبت به مسئولان چنین نگاه مشترکی دارند. امام هم درباره اعتماد خود به مسئولان کشور می‌فرماید: «تأکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولان مورد اعتماد من می‌باشند. آنها را برای این تصمیمی که گرفته‌اند، شمات نکنید که برای آنها هم چنین تصمیمی سخت و ناگوار بود.»

امام با صراحت روشن می‌سازد که من تصمیم نگرفته‌ام، چرا که تأکید دارد که «چنین تصمیمی برای آنها هم سخت بود» اما من موافقت کردم و رهبر امروز ما هم می‌فرمایند علی‌الاصول نظر دیگری داشتم اما با توجه به تعهد مسئولان موافقت نمودم. بنابراین هر دو تأکید دارند که به مسئولان اعتماد دارم. هر دو تأکید دارند که با نظر کارشناسی کارشناسان کشور با این امر موافقت نموده‌اند.

در خصوص مردمی که احتمالاً نقدهایی دارند یا عواطف‌شان تحریک شده است، نظر هر دو رهبر بسیار جالب است. امام می‌فرمایند: «در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات صحبت از چراها و باید‌ها و نبایدها کنند، هرچند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست.» همین نکته توسط رهبر فعلی ماًدقیقاً با یک ادبیات دیگری تکرار می‌شود و می‌فرمایند: «ممکن است کسانی با اخلاص تمام و از سر خیرخواهی انتقاداتی نسبت به عملکرد بعضی از مسئولان داشته باشند. به نظر بنده در عین اینکه این اهتمام و نگرانی ایشان برای نظام، همچون اشخاص خودشان سرمایه ارزشمندی به حساب می‌آید و فی‌نفسه امری مطلوب قلمداد می‌شود. ... ما مراقب باشیم که ظلم صورت نگیرد و موجب شکست وحدت نشود.» بنابراین نسبت به افکار عمومی هر دو رهبر به عمق اجتماعی مسائل توجه دارند.

این سیره رهبران دینی است که از یک سو به افکار عمومی و منتقدان توجه دارند و از سویی دیگر از مسئولان حمایت و پشتیبانی می‌کنند. این مهم‌ترین دستاورد مردم‌سالاری دینی در جامعه ماست که ولایت و رهبری برای نظر منتخبان ملت اهمیت قائل می‌شوند و در اولویت قرار می‌دهند. خلاصه‌کلام اینکه با این مقایسه، مشخص می‌شود که مواجهه دو امام در دو پدیده مشابه، یکی است و وحدت نگاه بعد از تقریباً ۳۷ سال خود را نشان داد.



فوتبال هیچ‌وقت نبوده است که سیاسی نباشد. هیچ‌چیز دیگر هم نیست که سیاسی نباشد، چه بازی، چه ورزش، چه دانش، چه دین و چه هر کنش بشری دیگر. گاهی کسانی با غرض‌هایی ژست «فوتبال سیاسی نیست» می‌گیرند، ولی در ست در بزنگاه با رفتارشان نشان می‌دهند که «سیاسی تر از فوتبال چیز دیگری نیست»! مگر می‌شود چیزی تا به این اندازه آدم‌ها را گرد هم بیاورد و آن‌ها را در مسیری واحد ببیند؟ د، شوق و شکوه و اشک و شکایت بیافریند و سیاسی هم نباشد؟!

جام جهانی در امریکا بهتر از هر جای دیگری نشان داد که فوتبال سیاسی است. آن‌کس که می‌گوید «فوتبال افیون توده‌هاست» و آن‌کس که خلاف این را بگوید، هر دو اتفاق نظر دارند که فوتبال را باید صنعتی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بدانند، خوب باشد یا بد، آدم‌ها را تخریب‌ر کند، یا برانگیزد، تفاوتی ندارد.

وقتی در غزه، ضاحیه بیروت، ایران، و هر سرزمین دیگری که آزاده‌ای هست، از خوداسپانیا تا امریکای لاتین تا شرق و غرب، از جامی که در دست اسپانیا قرار گرفت، شادمان شدند، زیرا اسپانیا در غزه طرف فلسطینی را گرفت و در جنگ با ایران مقابل امریکا ایستاد، این یعنی انتقام فوتبال از سیاست و یعنی سیاسی بودن فوتبال. وقتی همه‌چیز جام جهانی بر خلاف آن رئیس‌جمهور ناجنس امریکا رقم می‌خورد و جهانی به وجد می‌آید و بازیکنان بیروز به او کم‌محلی می‌کنند، این یعنی تقاص فوتبال از سیاست

صفحه ۱۳ را بخوانید

تطهیر امریکای متجاوز بانقلاب صلح‌طلبی!

■ حزب اصلاح‌طلب اتحاد ملت که در ایجاد شکاف و اختلاف در صفوف ملت و تطهیر غرب، پد طولایی دارد، در جدیدترین بیانیه ضدّ ملی و انسجام‌سوز خود، بدون توجه به رفتارهای جنگ‌طلبانه امریکا که همچنان هم ادامه دارد، حفاظت از یادداشت تفاهم میان رؤسای جمهوری اسلامی ایران و امریکا را «وظیفه‌ای ملی» توصیف کرده است. گویی اجرای توافق تنها وظیفه ایران است و طرف مقابل اساساً مسئولیتی در قبال تعهدات خود ندارد! **صفحه ۲**

دوران پهلوی و خانه‌هایی که سیاه بود

● یواهمحرمی

■ سفیدنمایی از جامعه ایران پیش از انقلاب اسلامی، رویکردی رسانه‌ای است که دست‌کم در دو دهه اخیر و هم‌زمان با توسعه فضای مجازی و ارتباطات ماهواره‌ای، به‌شدت در قالب یک پروژه دنبال شده و حتی در سریال‌های نمایش خانگی داخل کشور نیز به‌وضوح ردپای آن قابل مشاهده‌است. جالب‌است که پخش و انتشار بسیاری از آثار تولیدی همان دوره و عرضه مناسب آن در جامعه، مقابل چشم نسل جدید می‌تواند به‌راحتی واقعیت را نمایان کند. در گزارش پیش‌رو، به برخی آثار مستند و فیلم‌هایی که عمق تباهی جامعه ایرانی در دوران پهلوی را نشان می‌دهد می‌پردازیم | **صفحه ۶**

اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی
در گفت‌وگو با «جوان»:

همه در یک کشتی هستیم وحدت شرط پیروزی است

● فازه‌سادات یوسفی | خبرنگار گروه سیاسی | **صفحه ۵**

خوانشی از پیامدهای تربیتی شهادت رهبر
در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام صبوخی

«شهادت‌رهبر» تربیت نسل نورا از روایت به واقعیت رساند

● مجتبیه‌فرهانی | خبرنگار گروه‌سیک‌زندگی | **صفحه ۸**



یادداشت سیاسی

رسول سنلای‌راد

تحقیر تاریخی امریکا زیر ضربات کوبنده ایران

صفحه ۲

در سلک آفتاب



مهدی مولایی

از مشهد

تا انتهای خیابان پیروزی!

صفحه ۳

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

ملت مبعوث در مسیر خلق بزرگ‌ترین اربعین میدانی

صفحه ۵